



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه شنبه (۱۱) اسفند ماه ۱۳۴۹

فهرست مطالب :
 ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 ۲- ادامه بحث در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع بلائحه بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور.
 ۳- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه.

مجلس در ساعت نه و بیست دقیقه بعد از ظهر بر ریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
 (شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

دکتر اسفندیاری - امیراحمدی - آموزگار -
 بختیاری پور - بهادری - دکتر بهبودی - پدramی - پورساطع
 دکتر رشتی - دکتر رضوانی - دکتر صدر - طباطبائی -
 عباس میرزائی - غلام نیاکان - خانلر قراچورلو - پرفسور
 مخبر فرهمند - مهندس معینی - مهندس معینی زند - دکتر
 یزدان پناه .

غائبین مریض - آقایان :

مهندس اردلان - پردلی - پرویزی - بانو تربیت
 مهندس جلالی نوری - خواجه نوری - روحانی - مهندس
 ریاحی - سلیمانی کاشانی - دکتر ضیائی - ضیائی احمدی -
 دکتر فر بود - دکتر متین - تیمسار وحدانیان - دکتر یگانگی
 فروز .

۲ - ادامه بحث در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع بلائحه بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور
 رئیس - وارد دستور میشویم کلیات لایحه بودجه

شام ۱۳۵۰ کل کشور مطرح است آقای پز شکیپور بفرمائید .
پز شکیپور - صحبت در این بود که بحث و بررسی دیگر مابیرامون لایحه بودجه از نظر هدفها و مقاصد است که در بودجه مطرح شده است یا در گزارش دولت منعکس هست یا هدفها و مقاصد است که ما چنین اندیشه میکنم که بهر حال بودجه میبایست معطوف بان هدفها باشد نخستین هدف و مقصد آنکه در نطقهای آقای نخست وزیر بعنوان هدف مشخص و بارزی از کوششهای مربوط به چهارچوب بودجه مورد اشاره و بحث در مجلس شورای ملی قرار گرفت که منتهی در بررسی پیرامون بودجه از همین قسمت شروع می کنم . مسأله تقویت نیروهای دفاعی با سیاست دفاعی است ما در این زمینه بکرات در هنگام طرح لوایح مختلف با بهنگامهای دیگر نظرات و مطالب و عقایدی را که در این زمینه داشته ایم به آگاهی همکاران گرامی رسانیده ایم و بدیهی است یکی از مواردی که اصولا مردم یک وطن با هر نوع سلیقه و نظر خاصی که باشند در آن مورد هماهنگی، همدلی و یگانگی دارند این اندیشه و خواست دفاع از خانه، دفاع از لایحه، دفاع از کاشانه و بالاخره دفاع از خانه بزرگ یعنی وطن است

بنابر این در این مورد همه هم آهنگ هستند، همه هم رأی هستند نهایت بررسی های دقیق تر یا نظراتی دیگر که بیان کننده نظرات تکمیل کننده باشد ممکن است مطرح و مورد بررسی و بحث قرار گیرد و اما برای اینکه این سیاست دفاعی بهتر و عمیقتر درك بشود بطور قطع تایك ملتی و سازمانهای وابسته بیک ملتی این سیاست دفاعی را عمیقاً احساس و استنباط نکنند یعنی مبتنی بر شناخت همگی موجودیت کمی و کیفی یک ملت احساس و استنباط نکند آنوقت آن خمیره و نهاد نهانی برای دفاع بوجود نیاید که در نتیجه همه آن نیروهای اجتماعی و اداری و کلیه نیروهای وابسته بیک ملت هماهنگ و یکصدا و یکدل نشوند برای آمادگی بخاطر آن لحظه و برای اینکه آنچه را که میخواهم در این خصوص عرض کنم همکاران گرامی بهتر درك میتوانند بکنند و بهتر میتوانند توجیه کنند نظر همکاران گرامی را معطوف می کنم در این خصوص به سخنانی که در مورد دفاع و فلسفه دفاع و نحوه دفاع و کیفیت دفاع شاهنشاه در بیاناتشان در کاخ سازمان برنامه بیان فرمودند. طی آن بیانات بحادثه غم انگیزی اشاره شد، حادثه ای که کم و بیش کسانی که حضور دارند از لحاظ سن در آن شرایط هستند که آن حادثه را بخاطر میآوردند خانم که اعتراض ندارند؟ (اشاره بجناب دکتر فرخ و پارسای) (دکتر فرخ و پارسای - چه عرض کنم!) بهر حال درباره حادثه غم انگیزی مطالبی فرمودند و باین نکته اشاره فرمودند که اگر ما گذشته از نظر نظامی از نظر اجتماعی هم آماده بودیم برای دفاع، آنوقت بهر وسیله باید مثبت میشدیم راهها را از بین میبردیم، طرق مواصلاتی و ابنیه ها را از بین میبردیم، اگر قصد آنها برای استفاده از منابع نفتی ما بود که چنین هم بود باید به کیفیتی عمل میکردیم که دیگر چیزی قابل استفاده برای آنها در این سرزمین باقی نماند يك چنین توجهی بطور کلی سیاست دفاعی را در همه زمینه ها دارد نه تنها از نظر تجهیزات و وسایل نظامی و اینکه گروههای نظامی در امر مقدس دفاع شرکت می کنند بلکه از این نظر تمامی نیروهای اجتماع بگردهم در يك چنین شرایطی وظیفه مهمی را که داشتند انجام میدادند، بی گمان حوادث شومی که در آن هنگام بر ملت و بر میهن ما گذشت بخاطر همه ی نمایندگان محترم هست، بامدادی سراز

را بوجود میآورد که پایه نهاد دفاعی را در جامعه ای استوار میکند، آن پایه روانی را بوجود میآورد که وقتی بیگانه خواست بآب جلو بگذارد مردم از هر گروهی که هستند با هر نظریه که هستند اختلاف را کنار میگذارند بگردهم میآیند متحد میشوند جانها را در كف دست میگذارند دستها را حلقه میکنند و از وطن در مقابل مهاجم دفاع میکنند این است آن نکته ای که میبایست پایه و اساس باشد از برای ایجاد این انضباط روانی این نکته را عرض میکنم من بساب مجامله گوئی از خود نیست بهر حال گروهی بنام گروه پارلمانی پان ایرانیست در دوره ۲۲ مجلس شورای ملی بایفای يك سلسله خدمات و وظایف ملی مبادرت کرده است یکی از نمایندگان پرسش کرد هر چند بین الاثنین بود ولی پرسش کرد از کی شروع کردید؟ درست از همان زمان شروع کردیم که بر اساس همین احساس نهادهای که در مابود در نهاد هر يك فرزندان این وطن هست، زیرا تمایل بدفاع از وطن و میهن يك امر اکتسابی نیست، ممکن است گاه تعلیمات اکتسابی روی این طبیعت را پوششی قرار بدهد اما این طبیعت را بسیاری از کسانی که تحت این تلقیاتی قرار گرفته اند و بظاهر از این پیوند ها گسسته اند برای من باز گو کردند که مثلاً وقتی در خارج بودیم تیم ایران که میآمد، درفش ایران که برافراشته میشد در میدان ورزش، بناگهان مثل اینکه از خواب بیدار میشدیم، این خروش آن طبیعت و نهاد است، در چنان شرایطی که وطن ما مورد هجوم و یورش قرار گرفت، هشتم شهریور ماه بود که تهران از طرف شرق زیر زنجیر تانک های قوای مهاجم قرار گرفت هشتم شهریور بود که قوای مهاجم از دروازه شرق وارد تهران شد (دکتر حکیم شوشتری - غرب تهران) خیر، عرض میکنم شرق، قوایی که از شرق آمد هشت شهریور ماه بود که متأسفانه ارتش از هم پاشیده بود در بان، سرگردان با وضع اسفناک توی بیابانها و خیابانها بودند و همانگونه که شاهنشاه در کاخ سازمان برنامه بیان فرمودند متأسفانه چون انضباط معنوی نبود، چون آن بیداری و آگاهی لازم نبود امور از هم گسسته شده بود چند کودک دبستانی بودند بچه های محل بودند که وقتی قوای مهاجم وارد دروازه شرق تهران شد نترسند تحمل کنند آنها با دستهای کودکانه با سنگهای خیابان به قوای مهاجم حمله کردند این نهضت و مبارزه از آنجا آغاز شد ادامه داشت، در همه مراحل

از دبیرستان گرفته تا به بعد، ایکاش آقای عباس میرزائی بودند (سعید وزیری بنده هستم) (خنده: نمایندگان) شما بجایش هستید پس جنابعالی برای ایشان باز گو کنید، مسأله بسیار اساسی است از کلاس دبیرستان گرفته تا دانشگاه، با تمام توطئه های تجزیه طلبانه، با هر نوع سیاست ضد ملی با هر گروه غیر ملی مبارزه سخت و انصراف ناپذیر داشتند روزی را بخاطر هم هست، لابد سایر نمایندگان دیگر هم بخاطرشان هست، اینجا وقتی صحبت شد آقای موسوی ماکوئی که در دبیرستان البرز دبیر ما بودند پیاخواستند و گفتند آن زمانی که آنها سخت ترین مبارزات ایران پرستانه را میکردند در شرایطی آنچنان بحرانی بود که سخن گفتن از وحدت و بزرگی ایران و آزادگی ملت ایران توأم با مخاطرات بسیار بود، تمام این مسائل بود، همه را تحمل کردیم، تمام مراحل و حوادث را دیدیم، دوستان بسیاری بودند، در دانشگاه شاید بودند و بخاطر دارند آنوقت که آن گروههای بیگانه پرست به پژوهش پرورد کتر عملی و دوستان دیگر هیچ نوع ترحمی نمیکردند، ضربات، دسیسه های آنها، دسیسه های هول انگیز آنان همچنان متوجه ما بود ولی اینها، وظایفی را که بک گروه میهن پرست انجام میدهد، وظایفی را که يك ایران پرست انجام میدهد نمیتواند در مقابل تقاضایی باشد صرفاً بر اساس اعتقاد و ایمان هست بنابر این (دکتر حکیم شوشتری - آقای دکتر صدر هم آنوقت بود) سؤال کردید پاسخ میدهم ایشان در سال اول دانشکده پزشکی بودند که باین تشکیلات پیوستند (مهندس عطائی - یکی از یاران هم افلیج است و در بیمارستان بستری است) علی ایحال یاران بسیاری در این راه و طریقت صدمات بسیار دیدند ولی هیچیک از آنها مهم نیست این شعر باید همیشه راهنمای همه ما باشد

مانه پیران پی تریین تن پوشیده ایم
ما کفن از بهر بیکار وطن پوشیده ایم

بنابر این (دکتر حکیم شوشتری - این برای همه ایرانیان هست) تردیدی نیست، اگر جز این بود این ملت این چنین جاودانه نمی بود. اگر جز این بود ما بر ابرو ر شه های گو تاگون نمیتوانستیم حفظ موجودیت کنیم، پس برای شناخت و ایفای سیاست دفاعی باید بر موجودیت ملی و موقع تاریخی و اجتماعی که ملت ما قرار دارد آگاهی کامل

داشته باشیم در آغاز سخن باین نکته اشاره کردم که مادر مرحله‌ای حساس و در یک نقطه عطفی از تاریخ قرار داریم، این نقطه عطف تاریخ برای ما و ملت ما مسئولیت‌های مهم و تاریخی ایجاد می‌کند که ما هر چه بیشتر نیرومند باشیم هر چه بیشتر مجهز باشیم برای دفاع همه جانبه، در این مورد به سه اصل میباید توجه کرد نخست مبانی انضباط اجتماع، مبانی انضباط اجتماعی به کیفیت که همه بتوانند در هنگام ضروری همدوش و هماهنگ برای دفاع در سطحی آن چنان وسیع و همگانی آماده باشند دوم زیربنای تکنولوژی و این مسأله بسیار مهمی است که بطور دقیق و وسیع نه تنها در واحدهای نظامی ما که خوشبختانه تا حد بسیاری اعمال شده بلکه در همه واحدهای اجتماعی ما اعم از اقتصادی یا واحدهای اجتماعی میباید اعمال شود و سوم آمادگی روانی است که برای این آمادگی روانی ایجاد آمادگی روانی مسئولیت کم پیش از هر مورد دیگر متوجه سازمانها و دستگاهها و مراجعی است که پرورش روانها و ساختن انسانهای آینده را به عهده دارند، همچنین در همین زمینه است که به مسأله مهمی برخورد می‌کنیم، این موضوع را در بودجه سال گذشته بحث و بررسی کردیم و آن موضوع ایجاد صنایع تولیدی و سنگین نظامی است مابطور قطع با مسئولیت‌هایی که درازیم با توجه به تمدن بزرگی که باید ایجاد کنیم و این تمدن بزرگ برای ما یک سلسله تعهدات معنوی نه تنها در منطقه خوشبختانه همان طور که دیدیم در گزارش دولت هم منعکس بود یک سلسله مسئولیتهایی در صحنه جهانی به عهده داریم، ایفای یک سلسله تعهدات معنوی کافی نیست باید پشتوانه‌های محکم برای این تعهدات معنوی داشته باشیم این پشتوانه‌های محکم نیروها و قوای نیرومند نظامی ما هست ولی ما باید بتوانیم هر چه بیشتر از یک نوع امکانات تولید وسیع نظامی برخوردار باشیم که در هنگامه‌ای از حوادث بتوانیم نقش تاریخی خود را ایفا کنیم در ستون مربوط به اعتبار سازمان صنایع نظامی در بودجه افزایش دیده شد اما بهر حال در این زمینه کوشش وسیع‌تری و اجرای برنامه‌های وسیع‌تری لازم است، باید بتوانیم خود تولید کنیم، خود ایجاد کنیم بهمان

کیفیت که در مورد مسائل اقتصادی نظر برای ایجاد واحد تولیدی هست و دلایل آنهم در خودش مستتر و ملحوظ است، بهمان ترتیب در مورد تجهیزات نظامی هم احتیاج به صنایع سنگینی تولیدی نظامی داریم. مسأله دوم یا هدف دوم که در این مجموعه از بودجه و گزارش دولت و نطق نخست وزیر بعنوان یکی از هدفها و مقاصد بودجه معرفی شده است توزیع عادلانه یا توزیع عادلانه‌تر و در این مورد حرف و بحث بسیار هست، یعنی این مسأله‌ای است که اصولاً بسیاری از برنامه‌های اجتماعی و برنامه‌های رفاه اجتماعی در این عنوان خلاصه می‌شود و برنامه‌های آموزشی برنامه‌های درمانی، طرح‌های گوناگون، نیازمندیهای اجتماعی، احتیاجاتی که جامعه مادر زمینه‌های مختلف دارد در این مسأله خلاصه می‌شود، توزیع عادلانه یا توزیع عادلانه‌تر را بحث و بررسی می‌کنیم که به بینم آیا با روش‌ها و با فصل بندی‌ها و تمهیداتی که در بودجه و منضمات آن در نظر گرفته شده است توزیع عادلانه یا عادلانه‌تر بنحوی که با توجه به امکانات کنونی ممکن هست آیا واقعاً اجرامی شود یا نمی‌شود؟ آیا نقاط ضعفی در آن هست یا نیست؟ نخستین اشکال و ایرادی که هست اینست که در مورد اصل توزیع عادلانه‌تر صرفاً توجه به توزیع برخی از فصول درآمد یا قسمتی از درآمد بین بخشی از کارها شده است و آنچه را که من دیدم بیشتر به آن توجه شده مسأله ایجاد مسکن است یا مسائل دیگری از این قبیل که از نظر بودجه مهم‌ترین آن ایجاد مسکن است، بعنوان آنکه اساسی خواهد بود که توزیع عادلانه‌تری صورت گیرد، در حالیکه نکته‌ای را که باید قبلاً بیان کنم اینست که اعمال اصل توزیع عادلانه در آمد ملی تنها بوسیله توزیع خود در آمد نیست بلکه اصل دیگری هست و آن اصل اخذ عادلانه درآمد ملی است از گروه‌های مختلف، این آن اصل و مسأله بسیار مهم است که در بودجه و گزارش‌های مربوط به بودجه به نحوی که لازم است بدان توجه نشده است، به کیفیت که شاید بتوان گفت که حتی اصل تأمین در آمد عادلانه از گروه‌های مختلف اصل بسیار مهم‌تری است از توزیع در آمد بنحوی عادلانه بین آنها، یعنی اگر یک مقررات

عادلانه وضع بشود برای وصول مالیات از طبقات مختلف و هدف برنامه و وضع مقررات مالیاتی این باشد که مالیات از گروهی که درآمد بیشتر دارند بیشتر گرفته شود و از گروه‌های دیگری که نیازمند برخورداری از یک نوع عدالت اقتصادی هستند مالیات کمتری گرفته شود، این میشود در واقع اعمال اصل توزیع ثروت ملی بنحوی عادلانه یا توجه به اصل اخذ مالیات بنحوی عادلانه. حال در این دو قسمت موضوع را بررسی می‌کنیم، فصول مختلف بودجه نحوه اخذ در آمدها را و نحوه توزیع در آمدها را بررسی می‌کنیم تا به بینیم تا چه حد توانستند این هدف را بر آورده کنند و توزیع عادلانه را رعایت کنند و تا چه حد توانسته و نقاط ضعف آن کجاست؟ (دکتر حکیم شوشتری- نقاط ضعف در روغن نباتی است) در مورد مالیات غیر مستقیم کراراً بحث و بررسی شده است و نظرات خود را بیان کرده‌ایم و باین اصل که مورد قبول همگان هست اشاره شده است و بودجه دولت و گزارش دولت همه حاکی از اینست که باین اصل توجه دارند که بهر حال یک طریق مستقیم برای توزیع عادلانه یا برای کسب عادلانه در آمد از گروه‌های مختلف اینست که هر چه بیشتر میزان اخذ در آمد از مالیات غیر مستقیم کمتر بشود، این منظور و توجه به اصطلاح مالیات غیر مستقیم بآن مفهومی نیست که در این بودجه توجه شده یا غالباً اذهان ممکن است معطوف به آن گردد، منظور از مالیات غیر مستقیم در این مورد که بحث و بررسی می‌کنیم عبارتست از اخذ در آمد برای دولت و سازمانهای دولتی از طریق گروه‌های مصرف کننده یا گروه‌های کم درآمد که وقتی باین کیفیت بررسی کنیم بعد خواهیم دید در ستون مالیاتهای مستقیم قسمت عمده در آمدی که پیش بینی شده بعنوان مالیاتهای مستقیم، در آمدی که بدست بیاید باز هم از گروه‌های مصرف کننده یا گروه‌های کم درآمد است، در واقع میتوان گفت گذشته از مالیات غیر مستقیم به آن مفهومی که در بودجه هست بعضی مالیاتهای غیر مستقیم نامرئی هم هست که روی آن مارک مالیات غیر مستقیم نخورده ولی با این توجه میتوان گفت یک نوع مالیات غیر مستقیم است، یعنی نوعی اخذ مالیات از گروه‌های کم درآمد یا مصرف کننده است میشود البته ستونهای مربوط به مالیات مستقیم و غیر مستقیم بآن مفهومی که در لایحه بودجه توجه شده است

حکایت دارد از اینکه بر حسب همان ستون بندی بودجه یا توجه بودجه از مالیات مستقیم و غیر مستقیم هم اکنون هم مالیاتهای غیر مستقیم تقریباً بیشتر از ۱/۵ برابر مالیاتهای مستقیم هست (دکتر دادفر این ناشی از قوانین مالیاتی است) میدانیم که ناشی از قوانین مالیاتی است ولی فراموش نفرمائید، در ابتدای سخن و بکرات بیان کردم جناب دکتر دادفر که در اینجا بحث و بررسی که صورت میگیرد بطور کلی میشود گفت در باره یک نوع نظام حکومتی حزبی است که این نظام حکومتی حزبی متشکل از دولت و اکثریت حزبی و متشکل از ارگانهای دیگری است که باین نظامهای حزبی پیوسته اند، نکته جالبی را تذکر دادید و آنچه را که ما باید بآن توجه داشته باشیم اینست که در این دوره یا دوره گذشته در اواخر آن دوره در مجلس شورای ملی نسبت بلوایح یا بودجه یا هر اقدامی که صورت بگیرد فرق دارد با بحث و بررسی که در سه یا چهار دوره گذشته شده است سه یا چهار دوره گذشته ترکیب نمایندگان مجلس باین کیفیت نبود که صفوف حزبی را مشخص کنند حالا یک نظام حزبی است اگر بحث می‌کنیم مربوط بدولت به آن معنای گذشته نمیشود بلکه مربوط بفراسیون پارلمانی هم میشود و مربوط به ارگانهای حزب ایران نوین هم هست بودجه‌ای که ابراز کردید و آقای نخست وزیر هم در مجلس ضمن سخنان خارج از متن فرمودند بودجه دولت به معنای محض دولت نیست، بلکه بودجه دولت حزب ایران نوین است، در نتیجه در بسیاری از لواایح و مقررات نظری را که حزب معتقد است گنجانیده شده اگر معتقد نبودید که به قوانین مالیاتی رأی نمیدادید، اگر معتقد نبودید که بقوانین دیگر رأی نمیدادید، پس وقتی این مجلس یعنی اکثریت رأی داد، یعنی حزب ایران نوین تأیید کرده است آن برنامه و آن قانون را، بنابراین از تذکرتان تشکر می‌کنم باین نکته من توجه داشتم وقتی این بررسی را می‌کنم توجه دارم که بسیاری از مطالبی که مورد بحث قرار میگیرد یک نوع مصوبات قانونی است ولی چه بسا باین مصوبات قانونی که مورد تأیید اکثریت بوده فرض بفرمائید فراسیون حزب مردم موافقت نداشتند یا ما نظر موافق نداشتیم و از جهت نظامات اجتماعی و اداری دارای سلبه‌های مختلف هستیم بحث

و بررسی که می‌کنم تنها متوجه دولت نیست متوجه این نظام حزبی هم هست اتفاقاً من می‌خواستم این نکته را در قسمتی از مطالبم عرض کنم و توضیح بدهم در نتیجه اگر مادر باره قسمتی از برنامه دولت بحث میکنیم منبای این نیست که بفرض با آقای مهندس ستوده نظر خاصی داریم و یا اگر در قسمت خاصی تأیید می‌کنیم منبای این نیست که یک نوع گرایش خاصی داریم این بررسی بر اثر اختلاف سلیقه‌ای است که هست و ممکن است نظام حزب ایران نوین معتقد باشد باینکه اخذ مالیات‌های غیر مستقیم بر اساس این مصوبات قانون صحیح است ولی مناظراتی سوای این داشته باشیم کما اینکه داریم، بنابراین در مورد مالیات‌های مستقیم عرض می‌کردم که در ردیف‌هایی که در ستون مالیات مستقیم هست به آن معنا که عرض کردم اقلام مهمی را می‌بینیم که در واقع نمیتوان با نام مالیات مستقیم عنوان آن را تلقی کرد مگر اینکه بگوئیم باین دلیل مستقیم است که مستقیماً اخذ می‌شود یا لا اقل نظر من چنین می‌رسد که نوعی مالیات غیر مستقیم نامرئی است که ظاهراً نام مالیات مستقیم بدان داده شده است، از جمله مهمترین رقمی که در این ستون هست رقم $\frac{7}{142/857/000}$ ریال است لابد دهنتان آقای د که هزاره معطوف شد که مربوط یکدام ردیف است مربوط است ب مالیات از حقوق، یعنی این ردیف بسیار مهم و پر درآمدترین رقم مالیات مستقیم مالیات از حقوق است که البته این گروه جزعه معدودی که در شرکت‌های وابسته بدولت و سازمانهای انتفاعی دولت هستند که متأسفانه باینکه وزارت دارائی نظر داشت که از آنها مالیات بیشتری گرفته شود یعنی از حقوق‌های بزرگ و کلان مالیات بیشتری گرفته شود ولی نظامات حزبی و بهرحال اکثریت مجلس شورای ملی یعنی فراکسیون حزب ایران نوین حتی با پیشنهاد وزارت دارائی هم موافقت نکردند و مالیات از حقوق‌های کلان را بجز این پائین تری آوردند این یکی از اقلام بود، حالا این قلم با رقم را مقایسه کنید با مالیات مستقیمی که واقعاً عدالت اجتماعی و اعمال اصل توزیع عادلانه که بان توسل و توجه شده ایجاب میکند که بهرحال از آن گروه مالیات بیشتری اخذ بشود، این مالیات، مالیات اشخاص حقوقی غیر دولتی است، اشخاص حقوقی غیر دولتی را میدانید ناظر بر چه گروه‌هایی است؟ ناظر بر پر درآمدترین گروه‌هایی

است که از مواهب اجتماع منتفع میشوند و اگر قرار شود بررسی دقیق گردد که توزیع در آدمی بچه طریق عملی شده و بچه کیفیت صورت گرفته است، اگر بررسی شود که توزیع نعمات ملی بچه صورت انجام گرفته سهم بیشتر و بیشتری نصیب این گروه میشود، در این گروه مهندسين مشاور قرار دارند، در این گروه شرکت‌های بزرگ تجارتي قرار دارند شرکت‌های گوناگونی قرار دارند که همه من حیث المجموع تحت عنوان اشخاص حقوقی غیر دولتی هستند من کاملاً میدانم این مالیاتی که اخذ می‌شود بر حسب مقررات قانون است، هر گز ما چنین تصویری نمی‌کنیم که کمتر از آنچه در مقررات قانونی پیش‌بینی شده است اخذ مالیات می‌شود ولی ایراد و اعتراض ما بهمان مقررات قانونی مالیاتی است که مستقر شده، سخن مادر باره ضرورت تغییر این نظم مالیاتی است آنچه از این گروه پیش‌بینی شده وصول شود مبلغ 6836735000 ریال است، یک مقایسه کوچک و سرائگشتی، بفرمائید نتیجه مقایسه این رقم را با مالیاتی که از حقوق بگیران می‌گیرند و نیز نتیجه مقایسه آن با اقلام مالیات‌های غیر مستقیم چی هست؟ مالیات مستقیم دیگر یعنی مالیات بر اراضی که اراضی بایر محدود شهرها است، باز هم راست است متأسفانه بر اساس یک سلسله مقررات قانونی است ولی آقای دکتر داد فر بخاطر آن است در موارد مختلف یا لایحه مربوط به مالیات مطرح شد و تا جائیکه بخاطر داریم در لایحه مربوط به نوسازی هم بخاطر همکاران گرامی هست در این لایحه پیشنهاد شده بود که از اراضی بایر مثل اینکه ۴٪ عوارض گرفته شود یا تا ۴٪ و پیشنهاد گروه پارلمانی پان ایرانیست این بود که از اراضی بایر شهرها بطور تصاعدی عوارض گرفته شود، بعد از کنار گذاردن مترای معین، خیلی خوب یاد هم هست پیشنهاد این بود یک نفر برای اینکه خانه بسازد یک هزار متر مربع یاد هزار متر مربع زمین احتیاج دارد این را برایش می‌گذاریم کنار که بعد خانه اش، لانه اش، کاشانه اش را بسازد اما پیشنهاد شده بود که اضافه بر آن هر کس اراضی بایر دارد هر گاه در دو معین نسازد، نه این نوع مقررات که درخت بکارد نه اینکه ۴ نادرخت بکارد و با اصطلاح مشجر کند، اخیراً هر جا که عبور میکنم می‌بینم که ۴ نادرخت کاج کاشته اند باین عنوان که مشجر کرده اند؟! پیشنهاد شده بود که بنحو تصاعدی عوارض بگیرند

دلیل آن با خودش بود شما از توزیع عادلانه صحبت میکنید مگر نیست؟ درست است، این يك اصلی است برای اجرای عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی بدون استقرار عدالت اقتصادی ممکن نیست، یکی از جهات انقلاب بزرگ ایران، یکی از جهات اینکه شاهنشاه قیام کردند و ملت ایران را فرا خواندند برای اینکه باصول انقلاب رأی بدهند و بگویند موافقت با مخالف و اکثریت قریب با اتفاق گفتند موافقت برای چه بود؟ برای اینکه این عدالت اقتصادی اجرا بشود و استقرار پیدا کند برای اینکه میلیونها کشاورز ما از چنگال ظلم و ستم و فئودالیسم ارضی رهائی پیدا کنند، یکی از جهات عمده این بود اما، نمایندگان محترم هریک نماینده شهری هستند، متأسفانه بکوفتی این طبقه زمین خوار فقط در تهران بود و حالا امروز میدانید که در هر شهر دور دست هم برود باین طبقه زمین خوار آنجا هم رفته است، بکوقت در تهران بود حالا هر جا بر نامه عمرانی رفته، هر جا جاده رفته هر جا اسفالت و برق رفته هر جا هر نوع نشانی و اثری از آبادانی رفته بدنالش زمین خوار هم رفته است.

مهندس فروهر - این يك پدیده آبادی است.

پژشکپور - زمین خوار پدیده آبادی است؟ همان زمین‌های آباد یعنی مکیدن خون آدم‌ها، این آبادانی نیست آبادانی این است که بسازید (مهندس فروهر - برنامه نوسازی حزب ایران نوین جواب شما را میدهد) برنامه نوسازی حزب ایران نوین این است که شما در برابر سخنان من اینگونه جواب بدهید؟ جای تأسف است برای من! شما دارید از اعمال اصل توزیع عادلانه سخن می‌گوئید، آقا زمین خوار کیست؟ کسی است که با ثمن بخش زمین را خریده، از سرمایه ملی و مالیات مردم جاده بسازد، از مالیات مردم اسفالت میکند، از مالیات مردم برق می‌برد، آنوقت زمین خوار چه میکند؟ خون مردم را می‌مکد، حاصل رنج و کوشش آنها را می‌گیرد دوازده یک بنحوی آقای مهندس فروهر اگر کارمند دولت است، کاملاً اطمینان دارم اکثریت نمایندگان که اینجا نشسته اند خود دچار این تجاوز زمین خواران هستند، آنها که قالباً نمی‌توانند نمایندگان که در اینجا هستند یاد دوره گذشته با اصطلاح وابسته به فئودالیسم بتمام معنی نبودند، کارمند است کارگزار است - بزرگ‌گزار است کشاورز است برای اینکه يك خانه تهیه کند ناچار است

از مقام ریاست خواهش کند و ام بکیرد و خانه بخرد که این هم البته دوره گذشته بود و این دوره نیست. این مهم‌ترین مسئله اساسی ما است، شما مطمئن باشید يك روزی باید مطمئناً علیه فئودالیسم شهری انقلاب قطعی صورت گیرد و از فئودالیسم شهری خلع بد شود فئودالیسم شهری تولید کننده را غارت میکند فئودالیسم شهری بصورت واسطه بزرگ و مصرف کننده را بزنجیر بردگی کشیده است، فئودالیسم شهری بصورت زمین خوار کارمند، کارگر و هر کس را بگوئید نتیجه حاصل کارش را غارت میکند (صحیح است) (فرهادپور - بایورس زمین باید مبارزه بشود) شما تشریف ببرید محلات مختلف هست در تهران، عرض میکنم جناب آقای دکتر یگانه این از مهم‌ترین مسائل است و من نه فقط برای جنابعالی و هیئت دولت بلکه برای حزب ایران نوین و برای این اکثریت مطلق که در مجلس هست صحبت میکنم آنطور که می‌گویند و یقیناً اگر معتقد با انقلاب باشید (ابله‌خانی پور - اگر نیست حتم است) باید این مراحل را انجام بدهید والا انقلاب در میانه راه مانده است (عباس میرزائی مامعتقد با انقلاب هستیم میرویم جلوراه را باز میکنیم شما هم بامایباید) حالاً من که موضوع را برای شما مطرح کردم، من که دارم دلایلش را توجیه میکنم، ما که دستمان بسته است ما که امکانات و موقعیت شمارا نداریم ما که دولت نداریم ما که کرسی در قوه مجریه نداریم ما که آقا جان هیچ نوع امکانی نداریم جز يك احساسات سالم افکار درست و عشق فناپذیر به ملت، شما که این امکانات را دارید بکنید منظور بحث و جدل نیست آقای عباس میرزائی من يك بحث بسیار مهم و اساسی را بررسی میکنم اصل توزیع عادلانه، یعنی چه گروه‌های اجتماعی باید بنحو عادلانه از ثروت ملی بهره‌مند شوند اجازه ندهید طبقه‌ای وجود بیاید که من غیر حق از ثروت ملی چیزی اندوخته کند، من فکر میکنم در این تعریف همه توافق داریم من سخن را تمام نکردم بسیار مهم است محلات مختلف شهر را شناسایی کنید و حیدیه را شناسایی کنید آری شهر را می‌شناسید این شهرهایی که در اطراف ساخته شده می‌شناسید میدانید این محلات هر کدام چیست در حیدیه چه می‌بینید، آقای عباس میرزائی کارگری را می‌بیند که ۶۰

سال کار کرده و زحمت کشیده است، شب و روز اندک اندوخته‌ای گرد آورده. در آریابهر که می‌روید می‌بینید آن کارمندی که شب و روز زحمت کشیده، اندوخته‌ای گرد آورده به که تحویل می‌دهد آقای مهندس فروهر؟ یا آن زمین‌خوار (مهندس فروهر) شما از حلم و حوصله ماسوئه استفاده نکنید ما باسدار انقلابیم علیرغم سخنان شما برنامه نویسی را اجرا خواهیم کرد)

اگر آن کارها را انجام دهید که هم آهنگ با سخنان منست نه علیرغم آن، اما بشما عرض کنم این لایحه نویسی آمد اینجا و متأسفانه همین لایحه نویسی با اینکه پیشنهاد دولت تاجهدار صد عوارض بود یکی از نمایندگان باسدار انقلاب به پاخواست و پیشنهاد کرد که عوارض تاجائی که بخاطر هست و جناب رامبد فرمودند بنظر یک در صد باشد و متأسفانه آقایان هم تصویب فرمودند علی‌ای حال در این هیچ تردیدی نیست که با مقررات و قوانین کنونی ممکن نیست جلو تجاوزات این طبقه گرفته شود، مگر با مقررات قانونی قبل از اصلاحات ارضی ممکن بود از فئودالهای ارضی خلع بدشود؟ مگر ممکن بود بتاراجگری آنها پایان داده شود؟ پس باید تحول و تغییر لازم در قوانین بوجود بیاید برای اینکه دست این طبقه را از دامان میلیون‌ها مردم شهر نشین کوتاه کند متأسفانه اقدامات و برنامه‌های دولت یعنی بسیاری از مصوبات قانونی مجلسی که اکثریت مطلق آن با حزب ایران نوین است در زمینه‌های دیگر هم موجباتی فراهم کرده برای اینکه نه تنها این اصل توزیع عادلانه اجرا و اعمال نشود بلکه اگر توزیع عادلانه‌ای صورت می‌گرفته این اصل را برهم زده است (مهندس صائی - صحیح نیست) عرض می‌کنم چرا صحیح است مثلاً تمام سازمانهای انتفاعی که بر حسب مصوبات آقایان بخشی از سازمانهای اداری که وظایفی داشته‌اند و تبدیل شده‌اند بشرکتها و بانوعی از سازمانهای انتفاعی وابسته بدولت (دکتر دادفر - شما می‌فرمودید که شرکت درست کنیم که اراضی زیر سدا آباد کنیم حالا بفرمائید که تبدیل به شرکت شده؟) مثل اینکه آن تذکرش هم خاطر تان نیست که گفتیم با این وجود که این شرکت‌های انتفاعی نتوانستند درست کار کنند با این وجود به حتی اگر شرکت انتفاعی باین کیفیت زیر سد بسازید

با این خصوصیات ما ترجیح می‌دهیم که باینصورت بآن شرکت خارجی واگذار بشود. بهرحال در هر يك از این شرکتها هیئت نشسته اند بنام هیئت عامله در هر يك از این شرکتها مدیر عاملی هست در هر يك از این شرکتها بازرسانی هستند و تمام اینها از يك امتیاز و حقوق غیر عادی نسبت بوظیفه مشابه خودشان در سازمانهای دیگر و نسبت بکس دیگری که مشابه آنها است از نظر تخصص، این را دیگر ما می‌توسیم بگوئیم تحصیلات که می‌گویند شما صحبت از مدرک تحصیلی می‌کنید! تخصص مشابه آنها، اما يك سهم بیشتری از درآمد می‌گیرند، آقای دکتر دادفر به توصیه کمیسیون بودجه عنایت بفرمائید دو مسئله مهم در این توصیه کمیسیون بودجه هست و حاکی از اینست که شما دو وزارتخانه‌ای که زیر بنای نظامات اداری ما را می‌سازد، شما که میدانید وزارت دادگستری و وزارت آموزش و پرورش دو وزارتخانه‌ای هستند که زیر بنای اجتماع ما را می‌سازند هم وزارت دادگستری و هم وزارت آموزش و پرورش همچنان در گیر این بلیه هستند که داوطلبی برای استخدام کارهای خودشان پیدا نمی‌کنند، چرا پیدا نمی‌کنند؟ آیا يك جوان لیسانسیه مایل نیست قاضی دادگستری بشود، مایل نیست لباس مقدس قضاوت را بپوشد؟ آیا يك جوان لیسانسیه مایل نیست بیاید معلم بشود مگر معلم مقام معنوی کمی است مگر قاضی مقام کمی است قاضی و معلم دو مقامی است که در ستهای ملی، در عقاید مذهبی و در فرهنگ ملی ما دارای موقعیت خاصی هستند مثلاً زرتشت را می‌گویند معلم بود صحبت از پیامبران دیگر که می‌کنند می‌گویند داوور بود یعنی در این حد از اهمیت بوده است داوری و معلمی، پس علت چیست؟ علتش این است که يك طبقه ممتاز به بلاجهت و جدیدی بوجود آورده‌اید، علتش اینست که موقعیتهائی بوجود آورده‌اید استثنائی که يك لیسانسیه حقوق وقتی می‌بیند اگر بآن محل برود از آن موقعیت استثنائی استفاده نکند در آمد بیشتر دارد اگر نرود و بیاید در کادر قضاوت در آمد کمتر دارد.

دکتر دادفر - علت اینست که بخش خصوصی بقدری پیشرفت کرده که نیروهای علمی مملکت را جلب می‌کند.

فرهاد پور - قاضی را برای چه بخش خصوصی میبرد؟

پزشکپور - علی‌ایحال با توجه به برنامه‌هایی که غالباً در زمان استقرار نظام حزب ایران نوین اجرا شده است و تشکیل شرکتها و مؤسسات انتفاعی وابسته بدولت اصل توزیع عادلانه میان کارمندان دولت، اصل توزیع عادلانه میان کسانی که خدمات دولتی را انجام می‌دهند با خدمات وابسته بدولت و در نتیجه اصل بهره‌گیری عادلانه از ثروت ملی و درآمد ملی را نقض کرده‌است و بطور قطع اگر بخواهیم این اصل اعمال و اجرا بشود ما حرفی نداریم ما هم همین را می‌خواهیم ما جز این چه می‌خواهیم. می‌خواهیم که این اصل اجرا بشود، ما هم درست و زمینه اجرای این اصل سخن می‌گوئیم، بسیار خوشنود شدیم وقتی دیدیم این اصل در گزارش دولت منعکس است که می‌گوید من می‌خواهم در بودجه سال آینده اصل توزیع عادلانه را اعمال کنم، البته ما توضیحاتی می‌دهیم که اگر میخواهید این اصل را اجرا کنید، این اصل چگونه میتواند اجرا بشود؟ سخن دیگر در مورد مالیات غیر مستقیم بر سوخت بود که فکر می‌کنم هنگام طرح بودجه سال گذشته این مطالب را اینجا عرض کردم که بهرحال سوخت و انرژی يك عاملی است که با خود تکنولوژی، تکنیک و توسعه صنعتی را باقصری نقاط مملکت میرد بنابراین سیاست دولت میبایست این باشد که این عامل هر چه سهلتر و سادتر و تاجائی که ممکن است ارزاتر در اختیار مردم قرار گیرد اما نگاهی بردیفهای مربوط بمالیات غیر مستقیم و مستقیم نشان میدهد که حتی مالیات مأخوذه از نفت گاز (البته بر حسب مقررات قانونی است!) به تنهایی ۳۹۳ بار بیشتر از مالیاتی است که از اراضی بایر گرفته میشود، البته این اراضی فقط اراضی تهران نیست و مالیاتی که اینجا ذکر کرده‌اند مربوط است به اراضی تمام شهرها و استانها به ۳۹۳ بار بیشتر از مالیاتی است که از این اراضی گرفته‌اند. حال میشود میرسیم به قسمت دیگر ستونهای درآمد، آن قسمت‌هایی که بعنوان درآمد حاصل از خدمات دولت با خدمات عمومی ذکر شده آن اقلام را ملاحظه بفرمائید این هم غالباً در يك بررسی دقیق معلوم میشود که در واقع نوعی اخذ درآمد از گروه‌های مصرف‌کننده یا گروه‌های کم درآمد است، بسیاری از این خدمات از آن موارد است که بهرحال دولت بحکم وظیفه ملی که دارد باید این خدمات را با توجه به

منابع اعتباری و منابع درآمد دیگر سعی کند اگر نگوئیم رابگان لاقط هر چه ارزانتر در اختیار مردم بگذارد در این ستونها ما ردیفهائی می‌بینیم از قبیل هزینه دادرسی ۳۰٪ درآمد شهرداریها برای آموزش و پرورش، شهریه مدارس دولتی، حق الثبت امتحانات، درآمد حاصل از نامنویسی دانشجویان در کنکور واحد و اعزام بخارج اینها از آن قبیل درآمدهائی است که در واقع بهرحال نوعی اخذ مالیات غیر مستقیم است که از گروه‌های اخذ میشود اخیراً البته بر همه اینها يك مالیات دیگر هم اضافه شده است آنهم کراراً گفته‌ایم که هر خانواده‌ای شانه‌اش زیر بار سنگین و طاقت فرسای این مالیات خمیده شده. هر خانواده‌ای بحکم اینکه بایستی فرزندان‌ش تحصیل کنند ناچار است رنج بسیار را تحمل کند برای اینکه این مالیات را بخاطر تحصیل فرزندان‌ش بپردازد، آنهم مالیاتی است که در واقع بمدارس غیر دولتی می‌دهند که این مبلغ هر کدام از همکاران گرامی میدانند که بقول معروف سربآسمان میزند، خیال نکنید که يك گروه مخصوصی هست متأسفانه بسبب عدم توزیع عادلانه درآمدهای ملی و بسبب عدم توزیع عادلانه خدمات ملی در شهرستانهای دور دست مدارس ملی و این کانونها برای اخذ این درآمدهای گراف از خانواده‌ها به شهرستانهای دور دست هم حرکت کرده‌اند، خوب، ممکن است پرسش شود این مدارس غیر دولتی بدولت و به نظام حزب ایران نوین چه ربطی دارد؟ ارتباط دارد زیرا دولت و حزبی که دولت را درست دارد بدین مفهوم وسیع کلمه در برابر همه مسائل اجتماعی مسئولیت بعهده دارند و اوست که باید نظامی را وضع کند، اوست که باید طرفی را در نظر گیرد، اوست که باید تمهیداتی را در نظر گیرد و روشهایی را دنبال کند که این مسائل و مشکلات را حل کند، آقای دکتر حکیم شوستری مثل اینکه مطلبی دارید بگوئید (دکتر حکیم شوستری - اگر عرضی داشته باشم رود بایستی ندارم) (عباس میرزائی - مثل اینکه شما خسته شده‌اید و میخواهید که ایشان سؤالی بکنند و شما خستگی را رفع کنید) نه نگرانی نداشته باشید، اما يك وسیله بسیار مهم برای اعمال اصل توزیع عادلانه کاملاً در اختیار دولت هست و آن

عبارتست از کالاها و خدماتی که در انحصار دولت است و بطور انحصار آن را انحصارات دولتی مینامیم. من تعجب میکنم البته در مواردیکه تاکنون این بحث شده، چندروز پیش بود که یکی از آنلواجر را که آقای مهندس ستوده به مجلس آوردند و اینجا بحث و بررسی شد کالاها یا خدماتی که در انحصار دولت است و در اختیار دولت هست به هنگامی که دولت معتقد است میخواهد اصل توزیع عادلانه را اجرا کند چه اصراری است که سیاست افزایش نرخ و گران کردن نرخ کالاها را در پیش گرفته است مواردش زیادست آب، برق تلفن (دکتر حکیم شوشتری - روغن نباتی) (دکتر طالع - اینهم کار غلطی است نباید وزارت اقتصاد اجازه بدهد) مواردیکه در اختیار دولت هست و در انحصار دولت است، به کالا های مصرفی هم میرسیم، آقای دکتر حکیم شوشتری به کالا های پردوام مصرفی هم میرسیم، این سیاست حزب ایران نوین است که همچنان با این وسایل و تمهیدات فشار های زیادی را بر شانه های مردم وارد میکند علی ایحال گران کردن نرخ کالا های انحصار دولتی و خدمات انحصار دولتی تأثیر بسزائی میبخشاید به افزایش نرخ ها و گذشته از این بهیچوجه نخواهد توانست اصل مناسبتی باشد برای اجرای اصل توزیع عادلانه بلکه اصلی مزاحم و مانع اجرای این منظور خواهد بود. این بحث و بررسی بود در مورد اخذ در آمد عادلانه از گروه های مختلف و اینکه نحوه اخذ این در آمد در شرایط کنونی تاچه حد اندک بایبش یا زیاد تر دور از این اصل است اما بررسی دیگر، حال از نظر توزیع عادلانه در آمد ملی یا هزینه ها یعنی آنچه که اختصاصاً دولت بآن اشاره کرده و میگوید میخواهم در آمد و خدمات ملی را بین تمام طبقات مردم توزیع عادلانه کنم، ببینیم در این زمینه چه کرده است؟ اولاً منظور از این توزیع هم توزیع در آمد ملی است هم خدمات ملی هم توزیع نتایج حاصل از اعمال در آمد و یا خدمات ملی است این توزیع عادلانه یا نحوه توزیع را در دومورد باید بررسی کرد یکی در مورد گروه های اجتماعی و دیگری در مورد مناطق جغرافیائی. ابتدا ببینیم نحوه توزیع در آمد ملی یا خدمات ملی در میان گروه های اجتماعی بچه نحو است؟ یک بررسی اجمالی خواهیم کرد و با توجه بگزارشها و آنچه

در متن بوده هست که توزیع در آمد ملی در مناطق جغرافیائی بچه کیفیت هست آیا عادلانه هست یا نیست؟ آیا از این دور هست یا نیست و بچه کیفیت است؟ اولاً از نظر توزیع در آمدها بین گروه های مختلف اجتماعی بهمان کیفیت که عرض کردم این توزیع در آمد عادلانه نیست نمونه عرض کردم، گروه زمین خواران و گروه های زیادی داریم که بطور غیر عادلانه، بطور تبعیض آمیز نسبت بسایر گروهها بهره گیری میکنند از در آمد ملی که برخی از آنها را میشناسیم مؤسسات مشاور و مؤسسات بازرگانی و انتفاعی وابسته بدولت که در این باره توضیح دادم پیرامون کار این مؤسسات، نظرتان را جلب میکنم باتوجه به بررسی که من در فصل مربوط بمؤسسات انتفاعی وابسته بدولت کردم، ۲۳ واحد از این واحدها زبان میدهد آنهاهم زبان بسیار هنگفت مثلاً در مورد یکی از شرکتها دیدم ۱۸۶۱۳۴۰۰۰ ریال دیدم این شرکت زبان کرده است نمیدانم این چگونه شرکت انتفاعی است؟ آنوقت اگر بررسی بشود اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل و شرکتهای مشابه مبالغ هنگفتی بطور غیر عادلانه حقوق میگیرند و این را غالباً شنیده ام که برخی از آقایان گفته اند اینطور نیست ولی مثل خیلی از موارد دیگر تا جائیکه بخاطر هم هست چند روز قبل آقای نخست وزیر ضمن یکی از مصاحبه هاشان باین مسئله توجه کردند و لزوم رفع این تبعیضات و لزوم هماهنگ کردن حقوقها را بیان داشتند، اگر تبعیض نبود که این سخن چه ضرورتی داشت این تبعیضات چه جور ایجاد شده؟ در موارد دیگر همینطور و امهائی که منظور شده است برای احداث بیمارستانها و داستان یکی از این بیمارستانها و درگیری که یکی از نمایندگان مجلس با این بیمارستان داشت و اتفاقاً از نمایندگان حزب ایران نوین بود (مهندس صائبی - آقای پاینده)، آقای پاینده که داستانش به کتاب شعر و مجموعه و همه جا رسیده است، کتاب جناب دکتر ریش، نمونه ایست بهر حال در مورد نه تنها ایشان دیدم آقای ارسنجائی هم بودند که در یکی از این بیمارستانهای خصوصی دچار همین مشکل بودند، بنابراین باین مشکل که بوجود آمده است، این کمکهای هنگفتی که شده است و این و امهائی زیادی که داده شده است و این بیمارستانهای خصوصی تا جائیکه بتوانند بیمار و مراجعین را مورد اجحاف و تعدی قرار میدهند

آیا جز یک گروه بخصوص می توانند باین بیمارستانهای خصوصی بروند؟، منصفانه قضاوت و داوری کنید این چگونه توزیع عادلانه است؟ من که از این توزیع عادلانه چیزی سر در نمی آورم، یکی از موارد مهم توزیع عادلانه مربوط می شود به نحوه توزیع مایحتاج مردم و یا نحوه تعیین نرخ هزینه زندگی، تغییرات شاخص هزینه زندگی که در گزارش دولت آمده است و حال نظر همکاران گرامی را معطوف خواهم کرد نشان میدهد که نحوه این تغییرات به شکلی است که گروه خاصی که عبارت باشد از گروه تولید کننده گان آقای دکتر حکیم شوشتری، گروه تولید کننده گان مواد مصرفی که عبارت باشند از تولید کننده گان کالا های پردوام مصرفی عبارت باشند از واسطه ها عبارت باشند از وارد کننده گان، اینها از آن در آمد غیر عادلانه نسبت به یک گروه وسیعی از اجتماع یعنی مصرف کننده و بخصوص تولید کننده گان مواد کشاورزی برخوردار هستند حالا عرض می کنم به چه کیفیت؟ باتوجه به جدول مربوط آقای حکیم شوشتری اگر جناب عالی خسته شده اید و عادت به زل و مطایبه دارید بامری است دیگر، خواهش می کنم توجه داشته باشید که بهر حال بودجه ای مطرح است به مبلغ ۴۸۱ میلیارد ریال این بودجه، این لایحه و منضمات آن از وقتی که آمده یک هفته است در مجلس شورای ملی، سخنانی هست بیان می شود و سخنانی هم هست که بیان میکنند، من فکر میکنم شأن مجلس ایجاب می کند لااقل در این چند ساعت که اینجا هستم توجه لازمه را نسبت به یک چنین مسئله ای داشته باشیم، جدول شماره ۶ صفحه ۳۴ تغییرات متوسط سالانه شاخص هزینه زندگی را نشان میدهد و توضیحاتی دارد، این جدول منظوم اینجا شرح این تغییرات نیست منظوم توضیح یک مطلب اساسی تر است منظوم توجه بخصوص به وضع میلیونها کشاورز است ماهمه الآن با یک مسئله ای روبرو هستیم این مسئله را هم دولت با آن روبروست همه نمایندگان توجه دارند و مبتلا به مردم است و آن اینست که چرا رشد کشاورزی ما از ۳ درصد بیشتر نبوده است البته دلایلی ذکر شده مسائلی ذکر شده است، توجهاتی شده است همه درست، کم و بیش درست بهر کیفیت اما بیک مسئله مهم توجه نشده است که این جدول گویای آن است، هر یک از آقایان نمایندگان از یک منطقه کشاورزی آمده اید این جدول نشان میدهد که

شاخص هزینه زندگی به نفع تولید کننده کالای مصرفی، به نفع تولید کننده کالای پردوام مصرفی و به نفع واسطه ها و بزبان کشاورزان تغییر کرده است. حالاً ملاحظه بفرمائید چطور توزیع عادلانه ممکن است صورت بگیرد؟ شما هر کوششی را بکنید برای اینکه برداشت محصول بیشتر شود ولی هرگاه محصولات کشاورزی به میزان باصطلاح مناسب با افزایش شاخص های دیگر هزینه زندگی نشود یا کوشش نشود که شاخص دیگر هزینه های زندگی متعادل یا سایر قسمت ها باشد متعادل با آن واحد کشاورزی بشود. بخش کشاورزی آن بهره ران خواهد گرفت و قدرت مقاومت نخواهد داشت و توزیع عادلانه صورت نخواهد گرفت و در ثانی این خود یکی از عواملی است، جناب آقای دکتر هزاره، جناب آقای دکتر یگانه که مانع میشود کوششی برای افزایش کشاورزی صورت بگیرد اگر این جدولی که روبروی ماست به اقلام آن توجه کنیم، در آن ذکر گردیده است که مسکن چند درصد افزایش پیدا کرده، شش درصد، حالاً ببینیم نرخ اثاثیه خانه چه هست؟ اینهم فرق کرده البته یک وقتی کرسی بود یک وقتی گلیم بود ولی حالاً رادیوست بخرچال است یا فرض بفرمائید همین کالای پردوام مصرفی دیگر هست چقدر ترقی کرده ۵/۱ درصد ترقی کرده پوشاک چقدر ترقی کرده ۲ درصد، خوب خوراک چقدر ترقی کرده ۱/۵ درصد، حالاً نازه توضیح داده میشود که بدانید باین کیفیت در این مورد شاخص هزینه بیش از ۵/۳ درصد است که با سرعتی آهسته تر از شاخص کل رشد و افزایش پیدا کرده و افزایش سالانه آن فقط ۱/۵ درصد بود. و بر طبق جدول و توضیحات آن تازه بیشترین افزایش این شاخص مربوط بگوشت، مرغ و ماهی است بنابراین سایر تولیدات کشاورزی باین میزان هم افزایش پیدا نکرده، فوری نگوئید که میخواهد افزایش پیدا کند مسئله ای که این ارقام و جدول بما ارائه طریق میکند این است که بهر حال میتوانیم بگوئیم نرخ تولیدات کشاورزی در یک سطح باقی مانده در حالیکه دیگر هزینه های زندگی نسبت بآن ترقی کرده است خوب این یک توزیع عادلانه ای نیست این سود را کی میرسد؟ عرض کردم تولید کننده گان کالا های مصرفی یا تولید کننده گان کالا های پردوام مصرفی بخصوص واسطه ها، یکی از ارکان فنودالیزم شهری

واسطه‌ها هستند. واسطه تولیدات را از کشاورز بقیمت ارزان میگیرند و میآورند بشهر و بقیمت گران میفروشند و اخیراً يك واسطه دیگری هم پیدا شده، واسطه‌های خرید کالاها را بردوام مصرفی که اینها میدانند ترخشان چندر است بین ۲۵ تا ۳۰ درصد شما از هر يك از خیابان‌های تهران که بگذرید. از هر خیابان شهرستان که عبور کنید می‌بینید که از روستاهای شهرستان‌ها زارع رنجش را کشیده جنسش را فروخته پولش را گذاشته توی جیبش حرکت می‌کند می‌آید توی شهر برای اینکه همین اثاثه منزل را بخرد بکدام مغازه مراجعه می‌کند؟ بهمان مغازه واسطه‌ها، کالای پردوام مصرفی را اولاً گران میخرد و ثانیاً يك باج دیگر هم باید بدهد ۲۵ درصد تا ۳۰ درصد نرخ آن واسطه‌هاست این را اگر بررسی کنید ملاحظه خواهید فرمود که حداقل نرخ میان ۲۵ تا ۳۰ درصد است پس اینها که عرض کردم باتوجه بگزارش دولت و جداولی که هست حکایت از این می‌کند که توزیع بنحو عادلانه بین گروهی عظیم از مردم میهن ما و گروه‌های دیگر صورت نمی‌گیرد که بطور قطع هرگاه هدف از سیاست دولت این است باید باین مسئله توجه شود و اهمیت خاصی قائل شوم (دکتر حکیم شوشتری - درصد مصرف مواد کشاورزی را خودتان فرمودید ۵۱ درصد است) در کتاب هست آنرا مراجعه بفرمائید بهر حال مورد دیگری که می‌توانیم بعنوان يك نمونه بارز از توزیع درآمد ملی یا توزیع سرمایه‌گذاری ملی تلقی کنیم موضوع توزیع آموزش و پرورش است و همین تذکر را حالا میدهم که بهر حال در مورد بحثی که قبلاً کردم این اشتباه نشود بحثی که قبلاً کردم از نظر برداشت از سرمایه ملی، فکر نشود و جوهی که بعنوان برنامه‌های عمرانی یا برنامه‌های مستمر عمرانی یا بهر جهت دیگر برای آموزش و پرورش مصرف میشود، این رقم را بهیچ وجه بعنوان يك رقم هزینه‌ای نمی‌شناسیم بلکه بعنوان يك سرمایه‌گذاری ملی می‌شناسیم و بلکه بعنوان یکی از بارزترین سرمایه‌گذاری‌های ملی می‌شناسیم سرمایه‌ای که در مورد آموزش و پرورش بهر کیفیت مصرف شود نحوه توزیع خدمات مربوط به آموزش و پرورش در مناطق مختلف جغرافیائی، اینجاست که توزیع عادلانه را که آید نحوه توزیع در مناطق جغرافیائی عادلانه است این را بعرض همکاران میرسانم در این زمینه هم ضرورت به بحث و توضیح بسیار

نیست هر يك از همکاران نمایندگی یکی از حوزه‌ها را دارند البته این مسئله است که باز دیدم اخیراً در این بودجه‌ای که دولت آورده است تا حدی توجه شده یعنی ضرورت مصرف کردن و مختص کردن قسمتی از درآمد ملی را برای برنامه‌های وسیع روستائی، راه‌های روستائی و اجرای برنامه‌هایی از این قبیل البته این دلالت بر این دارد که قبلاً مطلقاً چنین توجهی نبوده ولی اینجا من دیدم هر يك از نمایندگان اکثریت و اقلیت و نماینده فراکسیون حزب مردم همگی از اینکه راه نبود، برق نبود گله دارند من هرگز سخنان همکار گرامی آقای کریم بخش سعیدی را فراموش نمی‌کنم که وضع حوزه انتخابیه خود را توصیف کرد واقعاً من متأسف شدم که چرا نباید توزیع عادلانه خدمات صورت بگیرد حقیقت این است که توزیع عادلانه صورت نگرفته و هرگز نحو انقلابی عمل نشده، یعنی بیان این نکته کافی نیست که ما برنامه‌ای داریم بسیاری از نقاط دور دست از امکاناتی که ما داریم، شهرستان‌های مهم دارند و مراکز استان دارند از این نوع امکانات برخوردار نیستند، خوب باید این توزیع عادلانه صورت بگیرد و هرگز قدمهائی آهسته ممکن نیست و نیاز بیک روش انقلابی دارد و اگر توسل باین روش انقلابی نشود چنین برنامه بزرگی هرگز اجرا نمی‌گردد حالا نمونه‌ای را عرض میکنم یکی آموزش و پرورش است باتوجه بگزارشی که اینجاست وجدولی که مربوط بتوزیع اعتبارات آموزش و پرورش است چند چیز نشان میدهد قسمت عمده‌ای از این اعتبارات مربوط است به استانها و استان مرکزی یا مراکز استانها و هر چه بنقاط دور دست می‌رویم این اعتبارات کمتر میشود بموجب این جدول البته رقم‌های متعددی هست یکی از اقلام جدول را ذکر میکنم که مربوط است به آموزش متوسطه و حرفه‌ای که بعنوان مثال ذکر میکنم که بهیچیکه بنحو عادلانه توزیع شده است یا نشده است؟ حال بگذریم که خود این نکته مهم است که آقایان اگر بخاطر تان باشد چندی پیش مقررات و قانونی وضع کردید، خلاصه آن قانون این بود که دبیرستانی احداث نباید بشود مگر اینکه استاندارد باشد و ضوابطی در آن پیش‌بینی شده باشد و ما آمدیم اینجا گفتیم ناجائی که ممکن بوده در فلان نقطه دور دست در چهار اطاق گاه‌گلی هم که دبیرستانی درست میکردند هیچ ایرادی نیست

با امکانات خودشان تأسیس میکردند من نمیدانم چرا در این مورد از نتایج درخشانی که از سپاه‌های انقلاب گرفتیم سرمشق نمی‌گیریم مگر این مدارس سپاهی چطور تأسیس شد؟ خودشان آمدند، سپاهی آنها را تشویق کرد سنگ و گل و چوب آوردند خودشان کار کردند و اطاعتی درست کردند، کلاسی تشکیل دادند ولی شما قانونی گذرانیدید که دبیرستانها و آموزش متوسطه باید مبتنی بر يك ضوابط معینی باشد و تا این ضوابط نباشد دبیرستانی نباید درست شود و استدلال هم کردید که این سیستم آموزش اثری ندارد و باید آموزش حرفه‌ای را جایگزین آن کرد این صحیح ولی چه شد؟ در قبال آن چه برنامه‌ای پیاده شد؟ کدام برنامه وسیع برای آموزش حرفه‌ای واقعاً اجرا شد جز آهسته برو و آهسته بیا چه اقدامی صورت گرفت (دکتر دادفر - ۶۶ درصد رشد در هر سال) ۶۶ درصد رشد نسبت به چه؟ نسبت به چیزی که اصلاً وجود نداشت؟ این نوع محاسبه آقای دکتر دادفر اشتباه است شما بیاید حساب کنید واقعاً اشتباه است گاه می‌بینم می‌گویند باید انقلابی فکر کرد آقای دکتر دادفر میدانید که بشما ارادت دارم ولی این طرز فکر درست نیست ۶۶ درصد نسبت بگذشته افزایش پیدا کرده ولی این انقلابی نیست یعنی اگر بخواهید این ضابطه را بگیرد هر سال نسبت بسال گذشته ۶۰ درصد ۴۰ درصد ۵۰ درصد آموزش حرفه‌ای رشد پیدا کند هیچوقت بآن منظوری که بتوانیم کادری لازم را برای برنامه‌های وسیع صنعتی که ایجاد میکند نمیرسیم در این خصوص باید اقدام انقلابی بشود، امروز قطب‌های وسیع صنعتی خوشبختانه ایجاد است، شده تا چندی دیگر کارخانه ذوب آهن ما بکار می‌افتد ولی میدانید ماهنوز زیربنای صنعتی به مفهوم گسترش در پهنه اجتماع نداریم و آن را باید فراهم کنیم اگر آنرا فراهم نکنیم ممکن است یک جامعه غیر صنعتی از نظر طرز فکر داشته باشیم جامعه‌ای که هنوز روحش با اندیشه صنعت مانوس نشده قطب‌های عظیم صنعتی داریم ولی از نظر صنعتی توسعه پیدا نکرده‌ایم ممکن است چند کارخانه عظیم داشته باشیم و محصول بدهد برای ما، اما اگر همه اجتماع ما، اندیشه و طرز فکر صنعتی پیدا نکنند وضع بهتری زیربنای صنعتی پیدا نکند توسعه صنعتی پیدا نکرده‌ایم و اگر توسعه صنعتی پیدا نکنیم نمیتوانیم رشد صنعتی

را به نحو پیروزی بخشی نگاه داریم مسئله اساسی این است که این منظور چگونه حاصل می‌شود؟ این تنها سطح برنامه آموزش حرفه‌ای میتواند پیاده بشود و راهنمائی چیست من فعلاً عرض میکنم ولی در اینجا بکرات صحبت شده اتفاقاً در یک جلسه سرور دکتر عاملی توضیح دادند و باز هم توضیح خواهند داد راه حل ارائه شده باز هم ارائه خواهد شد ولی متأسفانه يك ایراد ما این است که فقط می‌گویند که مناسب است بسابق چندر افزایش پیدا کرده‌ایم اگر در مورد اصلاحات ارضی آقای دکتر دادفر قرار بود اینطور فکر بشود آن کار انقلابی بزرگ صورت نمی‌گرفت و ممکن نبود عملی بشود (یک نفر از نمایندگان معلم میخواد) اتفاقاً درست است طریق دارد و طریق آن ارائه شد و باز هم ارائه خواهیم کرد و انشاء الهه اگر فرصت بشود در کلیات آخر دوست عزیزم سرور دکتر عاملی توضیحات بسببوسی در این خصوص میدهند اما بنظر نمایندگان را این نکته معطوف می‌کنم که علی‌احوال فقط این مسئله بود که مبلغ کلی که برای آموزش حرفه‌ای در نظر گرفته شده ۶۹۳ میلیون ۸۸۰ هزار است یعنی ۶۹ میلیون تومان است و شما را بخدا انصاف بدهید با این مبلغ برای يك برنامه وسیع چه برنامه آموزشی حرفه‌ای را میتوانیم پیاده کنیم؟ اما مهمتر اینکه، خوب حالا ببینید این مبلغ چگونه توزیع شده است؟ شما که امکان تأسیس مدارس را در شهرستانها منتفی کرده‌اید و بآن قانون تأسیس دبیرستانها را بخصوص در سیکل دوم، در مناطقی مختلف تقریباً منتفی کردید، چون این مشکلات را در حوزه انتخابیه خودم داشتم در مناطق مختلفه دیگر تقریباً هست حالا ببینیم این اعتبار چه جور توزیع میشود؟ از این مبلغی که عرض کردم ۴۳ میلیون ریالش فقط برای ادارات مرکزی است یعنی کجا؟ مناطق مرکزی، جائیکه دبیرستانهای متعدد و امکانات مختلف وجود دارد و سازمانهای حرفه‌ای متعددی داشته و دارد ولی ۴۳ میلیون ریال هم برای ادارات آن بموجب این جدول این امکان داده شده و بقیه برای سایر مناطق کشور است خوب این توزیع عادلانه‌ایست؟ حالا بآن بقیه مناطق کشور هم میرسیم بموجب این جدول ۵۳ منطقه فاقد هر نوع آموزش حرفه‌ایست بعضی از مراکز هست که بالنسبه اعتباری دارند بعضی بعضی از مناطق هست که خیلی اندک اعتبار دارند بعضی مناطق هست که مطلقاً هیچ نوع اعتباری برای آموزش

حرفه‌ای ندارد و اینها در این جدولی که ذکر شده است جمعاً میشود ۵۳ منطقه خوب با این اعتبار این ۵۳ منطقه چه می‌کند؟ یک اعتبار هست بعنوان اعتبار توسعه در همین جدول یعنی رقمی پیش‌بینی شده است برای اینکه آموزش حرفه‌ای را توسعه بدهند، در کجا؟ در مناطقی که آموزش حرفه‌ای وجود ندارد و اعتباری قبلاً برایش پیش‌بینی نشده خوب فکر میکنید که این رقم برای توسعه آموزش حرفه‌ای در ۵۳ منطقه چقدر است ۹۴ میلیون و ده هزار ریال یعنی ۹ میلیون تومان و اندکی بیش از ۹ میلیون خوب این را واقعاً توجه بفرمائید در یک چنین شرایطی ما نیاز داریم که سرعت آموزش حرفه‌ای را تعمیم بدهیم و جایگزین دبیرستانهای سابق کنیم. نیاز داریم سرعت نیاز فرزندان وطن را در آن مناطق برآورده کنیم محصل درش را خوانده حالا می‌خواهد برود مدرسه، سیکل دوم نداریم (تخاتم صوفی - سیکل نداریم دوره راهنمایی است) دوره اول متوسطه سابق اینها بسیار هستند و بهرحال مشکلاتی است این مشکلات عجیب را بکرات در این شادگان من داشته‌ام و هنوز هم هست این مسئله است فرزندان خانواده‌های این شهر استعداد هم داشتند علاقه هم داشتند تصدیق سیکل اولش را گرفته بود میخواست برود سیکل دوم نشد که نشد می‌گفتند که باید آموزش حرفه‌ای باشد که بتوانند حرفه‌ای را بآنها بیاموزند. خوب برای اینها باید حرفه‌ای را در نظر بگیریم برای این ۵۳ منطقه حالا آن بقیه هم طوری است که واقعاً باید فکری کرد و با این رقمهای یک کارگاه کوچک را نمیشود اداره کرد و من نمیدانم کدام انصافی حکم خواهد کرد که این یک توزیع عادلانه است و بخصوص نکته دیگر این است این مناطقی که من در این جدول دیدم غالباً مناطقی است که فاقد اعتبار آموزش حرفه‌ای هستند و قرار است اندکی بیش از ۹ میلیون تومان این همه این مناطق تقسیم بشود مناطقی است که غالباً از لحاظ اعتبار آموزش متوسطه در وضع رقت‌بار، ضعیف و وضع ناتوانی هستند و آن وقت مناطقی که دارای نسبتاً اعتبار بیشتری هستند مناطقی هستند که از لحاظ آموزش از سایر مناطق در مورد آموزش حرفه‌ای شاید در یک حد بالنسبه

بی‌نیازی باشند خوب این توزیع عادلانه و منصفانه نیست دیگر توزیع جغرافیایی درمان و پزشکی است من فقط چند مورد مهم را بیان کردم که در واقع این چند موردی است که مبتلا به مردم است مواردی است که نیاز همگانی است و حالا بسیاری از موارد دیگر را میشود گفت دوسه موردی را که عرض کردم مواردی است که بسبب ادامه حیات هر کس نیاز دارد مواردی است که برای ادامه زندگی هر کس نیاز دارد، در مورد بیمارستان اشاره‌ای کردم بیشتر از این توضیح نمیدهم البته همگان با آن آگاه و واقف هستند ولی باید به بینیم یکی از موارد بسیار مهم یعنی نتیجه مهمترین اعمال و بکار بستن سرمایه ملی و خدمات ملی و یکی از مهمترین نتایج بکار بستن سرمایه ملی و خدمات ملی از نظر جغرافیایی بجه نحو توزیع شده آن چه هست؟ طبیب، طبیب برای اینکه کسی را از مرگ نجات بدهد نگذارد فرزند کسی بمیرد، طبیب برای اینکه فرزند کسی را از بیماری نجات بدهد طبیب برای اینکه بهرحال کسی را از بیماری سخت نجات بدهد و آن دیگر جنبه فنی ندارد جنبه نیاز دارد، نمیتوانیم بگوئیم میشود آن منصرف شد بیبینیم این چگونه توزیع شده و اطباء بهرحال در آن گروههایی هستند که برای پرورش آنها ما سرمایه ملی گذارده‌ایم خدمات ملی گذارده‌ایم اینها مثل هر متخصص دیگری نتیجه اعمال آن دو عنصر هستند یعنی نتیجه بکار بستن سرمایه ملی و بکار بستن خدمات ملی حال یکی از وظایف مهم حکومت چیست؟ حکومت یکی از وظائفش این است که نمیتواند سلب مسئولیت کند بگوید طبیب نمی‌رود وقتی شد حکومت باید آن طرق و راههایی را پیدا کند که طبیب برود این با مردم دوردست نیست این با مردم سیستم نیست با مردم بجنورد نیست این با مردم آن نقطه دور افتاده کردستان نیست که طبیب بانجا برود این با حکومت است حکومت یعنی مقامی که قبول مسئولیت کرده حکومت یعنی مقامی که نیازهای ملی را باید شناسد و طرفی را باید در نظر بگیرد برای رفع نیازهای ملی، بخصوص وقتی حکومت حزبی شد یک چنین وظایف سنگین‌تری دارد، همکاران، گرامی عرض کردم خدمتتان

چون نماینده مجلس نماینده یک حوزه بخصوص نیست نماینده ملت است نماینده تمام مردم است و برآستی باید غم همه مردم، غم همه مناطق و مملکت را داشته باشد برایش باید همه مناطق مملکت یکی باشد در چنین شرایطی اسف بار است یک چنین آماری در چنین شرایطی غم‌انگیز است و بطور قطع باید مجاهدت اساسی بشود برای اینکه این نقیصه بزرگ بر طرف شود حالا نحوه توزیع را ملاحظه کنید این نشریه لا بد برای همه همکاران فرستاده شده آمار پزشکان و دندان پزشکان کشور نشریه آماری شماره ۲ ارقام پزشکی ایران شماره یک (عباس میرزائی - از کجا برای شما آمده که برای ما نیامده) بعد میدهم خدمتتان (عباس میرزائی - آخر شما پزشکی هستید که برای شما آمده) نه من و کیل داد گستریم و نماینده مردم (دکتر طالع - ایشان که استفاده میکنند برایشان آمده شما استفاده نمیکنید برایتان نیامده) بهر صورت ملاحظه بفرمائید بترتیب استان و فرمانداری کل و این قسمت سفیدر اما ملاحظه بفرمائید در حدی است که برای استان مرکز توزیع شده میدانید چقدر است ۵۲ درصد میدانید در سیستان و بلوچستان چقدر است مناطقی هست که ۲٪ است (دکتر حکیم شوشتری - اطباء در کارشان آزادند نمیروند) مناطقی هست که کمتر از ۲٪ است (دکتر حکیم شوشتری - آقا اطباء کارمند دولت که نیستند) اما، آقا ندارد دیگر چرا این مسئله را میفرمائید چه ارتباطی دارد (دکتر حکیم شوشتری - عرض کردم اطباء آزادند نمیروند) این پاسخ را شما نمیتوانید به بیمارستانی بدهید این پاسخ را شما نمیتوانید به بیمار منطقه کردستان بدهید این توضیح را شما نمیتوانید بدهید (ایلخانی پور - کردستان که شما تشریف نیاورده‌اید که به بینید آنها دکتر دارند ما میرویم می‌بینیم) چرا بی‌خود این لجاج را میکنید دولت مسئول است ما همه مسئولیت داریم این گزارش بیدار کننده است من نمیگویم بزور بفرستید (مهندس صائی - سپاهی بهداشت آنجا فرستاده میشود طبیب را بزور نمیشود فرستاد) (بهرام زاده ابراهیمی - صد هزار جمعیت بافت یک جراح ندارد) من تعجب میکنم موقعی که یک بررسی میشود ما وظیفه داریم بیاییم این مطالب را بگوئیم آقای دکتر یگانه را می‌بینم که دارند یادداشت می‌کنند لا اقل روی این مسئله بررسی می‌کنند توجه

می‌کنند ما نمیگوئیم بزور اسلحه بفرستید (دکتر میرعلاء - این مسئله بین المللی است که هنوز در دنیا حل نشده دولت انگلستان، فرانسه و تمام ممالک با آن مواجه هستند مسئله‌ای نیست که باسانی حل بشود) اولاً آقای دکتر میرعلاء من کی گفتم این مسئله به آسانی قابل حل است اما اگر انگلستان نتوانست حل بکند دلیل نداود که ما نتوانیم اصولاً چه ارتباطی بمادارد عرض من این است این یک مسئله است من کاری بجای دیگر ندارم ما نشان داده‌ایم که میتوانیم و بسیاری مسائل را حل کرده‌ایم که دیگران در آن مسائل مانده‌اند بهرحال من می‌خواهم شما بدانید آقای دکتر میرعلاء که این یک مسئله است و بهرحال توزیع عادلانه نشده (دکتر میرعلاء - یک قدری صبر کنید؟) (فرهاد پور - چقدر؟) (دکتر میرعلاء - در ظرف ۵ سال آینده؟) (فرهاد پور - ۸ سال را دیدیم ۵ سال آینده راهم می‌بینیم) چون صحبت از توزیع عادلانه بود یکی از عادلانه‌ترین موارد این است که مردم در هر کجا دسترسی بامکان بهداشت و درمان و بیمارستان داشته باشند یکی از این موارد انقلابی که انجام شد سپاه بهداشت بود من که تمام سخنان این است که چرا در مواد دیگر از موارد انقلابی استفاده نمیکنید بهرحال آقای دکتر میرعلاء شما را خواهند فرستاد شما که نماینده مجلس هستید و دوره بعد هم ظاهراً خواهید بود شما را نمی‌فرستند (دکتر میرعلاء - بنده کار خودم را میکنم بهتر است به بینید که در روز چند عمل میکنم) ولی شما چون دو کار دارید و هر دو کار را خوب می‌خواهید بکنید من تردید دارم که هر دو کار را خوب انجام دهید (پور بابائی - متخصص درجه اول مملکت هستند) به تخصصشان اطمینان دارم منتهی بحث من متوجه آقای دکتر میرعلاء نبود آقای دکتر یگانه از شما خواهش میکنم اگر توفیق پیدا کردید که ضمن این چند سال این مشکل را حل کنید مبدا بسراغ آقای دکتر میرعلاء بروید (عباس میرزائی - انشاء الله مرض قلب نمی‌گیری و سلامت میمانی) و بسراغ دکتر میرعلاء نمیروی) بهرحال این یک نمونه دیگری بود از اینکه یکی از مهمترین نیازهای اجتماعی بنحو عادلانه توزیع نشده است و باید اقدامات و برنامه‌ها به کیفیتی باشد که کاملاً توزیع عادلانه صورت بگیرد در برنامه و گزارش که منضم بود بوجه تقدیم مجلس شده است

یکی از هدفها و یکی از مقاصد لزوم اصلاح نظامات اداری بیان شده است آقای نخست وزیر ضمن نطق خود در مجلس اینطور توضیح میدهند که باید برای تشکیلات موجود شکلی را برگزید که مناسب برنامه‌های جهش و پیشرفت سریع ایران در سایه برنامه‌های بزرگ عمرانی باشد نکته ای که بهر حال برای ما همچنان جای شگفتی است این است که هنوز ما با اصطلاح لزوم و باید روبرو می‌شویم ما اگر در این مجلس نبودیم اگر در جریان کار این مملکت نبودیم و اگر نمیدانستیم که حزب ایران نوین نظام حزبی شما ظاهر آ نزدیک به هشت سال حکومت را در دست دارد (عباس میرزائی - انشاء الله به هشتاد سال هم میرسد) و من می‌ترسم در پایان هشتاد سال باین نام‌های روبرو بشویم که هنوز لزوم اصلاحات اداری در رأس آن باشد حالا اگر که در جریان مسائل نبودیم و این برنامه‌ها را می‌خواندیم من فکرمی کنم آن خواننده جز این اندیشه نمی‌کرد که این دولت و این حزب و این برنامه بهر حال متعلق بکسانی است که همین امروز حکومت را بدست گرفته اند و بر این حکومت نشسته اند آخر یک مقدار باید واقعا در این مسائل انصاف داشت شما سه سال پیش چهار سال پیش وقتی بحث شد مدام این توضیح را میدادید که انقلاب اداری سرعت نمیتواند صورت بگیرد انقلاب اداری کاری نیست که مثل خم رنگ رزی پارچه را توی آن ببریم و در بیاوریم تمام بشود ولی بهر حال ما مطلع نشدیم برای انجام این انقلاب و دگرگونی اداری بهر حال چند سال وقت لازم است؟ ای کاش مدت معلوم شود لا اقل بگوئید انقلاب اداری مادر ظرف ده سال ۲۰ سال و بقول آقای عباس میرزائی در هشتاد سال صورت می‌گیرد (عباس میرزائی - دوام حزب ما انشاء الله به هشتصد سال خواهد رسید) ملاحظه بفرمائید در چه شبی است این نکته را عرض میکنم این مسئله يك مسئولیت بزرگی است این نکته را بکرات عرض کردم همین قسمتی را که خواندم دلالت بر همین دارد و اعتقاد خود شما است بیانی است که در گزارش دولت شده است که بهر حال باید يك تحول اداری يك جهش اداری را بوجود آورد که هماهنگ با جهش‌های اجتماعی ما باشد، خوب اگر این هماهنگی وجود نداشته باشد چه میشود اگر این هماهنگی وجود نداشته باشد سازمان‌های اداری که باید تحولات

آن مسئله مهم است آن مسأله‌ای که خواستم عرض کنم آقای عباس میرزائی این است که ماهیچکدام نمیتوانیم از برابر مسئولیت‌هایمان بگریزیم قوه مجریه مسئولیت دارد حزب شما پاسخگوی این تسامح و تعلل است (عباس میرزائی - دولت تسامح نکرده حقیقت گواست) حقیقتی که نتیجه تسامح شما است، نتیجه هشت سال حکومت شما است. بدی حقیقت را گفت (خانم جهانبانی - از انقلاب اداری ۸ سال نمیگذرد) هر چند سال، خانم بگوئید که چه نداشتید؟ اکثریت قریب باتفاق نداشتید که دارید تمام دولت را ندارید که دارید همه امکانات را ندارید که دارید امنیت عجیب ندارید که دارید تمام دستگاه‌های تبلیغاتی را توی چنگتان ندارید که دارید و نگذارید بیش از این تمام اینها بگویم (مهندس بهرام زاده - کارشناس امور اداری ندارند) من برای این عرض نمیکنم که اینجا واقعا مسائلی بگویم من باب مخالفت، مخالفت باکی؟ باهم میهنانم، وای بر ما اگر این قدر بی انصاف باشیم ولی می بینم زمان و فرصت دارد میگذرد می بینم ما موقعیتهایمان از دست می‌دهیم، عرض کردم که نقطه عطف تاریخ است، شوخی نیست. این تمدن بزرگ‌ترا چطور باید ایجاد کنیم شمارا بخدا با این آهسته رفتن؟ من این را میخواهم بگویم. باید همه ما بیدار شویم واقعا حس کنیم اینها فرصتهایی است که ممکن است تاریخ و حوادث روزگار نگذارد بار دیگر از آنها استفاده کنیم شما فعلا بر قله این فرصتها هستید بگذارید شما این افتخار را داشته باشید اگر يك روزی بشویم که حزب ایران نوین واقعا این آرمانهای ملی را اجرا کرده است جز اینکه مادر آن خشنودی بزرگ شرکت کنیم کاری نخواهیم کرد ولی يك خواهش دارم، خواهش از دولت و از همه، فرصتهایمان در بیاید اینها است این فرصتهای تاریخی که اگر در بیاید ما میتوانیم پایه‌های آن تمدن بزرگ‌ترا بگذاریم و رسالت‌های بزرگ را انجام دهیم (مهندس فروهر - و اویلا) آقای مهندس فروهر و اویلا باین و اویلا گفتن تان علی ابحال مسأله انقلاب اداری از محقرین و از اصولی‌ترین مسائل است و يك نکته را عرض کنم و آن چیزهایی که می بیند در بودجه برای امور استخدامی و اداری نوشته میشود و در این سه سال هر بار بودجه مطرح شد مدام صحبت کردیم و آقای مهندس فروهر می گفتند و اویلا می گفتیم و گفتیم و بدادلی سوخته گفتیم (مهندس فروهر - از قول من جعل نکنید) ولی بعد از سه

سال مقام مسئول مملکت همین ایشان که لایحه را امضاء کرده اند و استثناء بر اصل و خلاف قانون در آمده است....
قاضی زاده - در راه انقلاب اداری بفرمائید هیچ قدمی برداشته نشده است انصاف این است؟

پزشکپور - من نظرم را اعلام کردم دلیل دارم که نشده است.

قاضی زاده - شاهنشاه پنج در صندش را قبول فرمودند شما آن پنج در صند را هم نکردید (خنده نمایندگان) این انقلابی است که در کار سپردن کار مردم بمردم است و اینکار را انجام داده در دنیا سابقه نداشته رفع بیدالتی شده رفع تبعیض شده اینها خودش انقلاب است (زنگ رئیس)

رئیس - آقای قاضی زاده جناب عالی صحبت میکنید یا آقای پزشکپور؟ (خنده نمایندگان)

پزشکپور - بلی در این مورد باز نظر همکاران گرامی را بیک جمله از نطق آقای نخست وزیر جلب میکنم که در آن سمینار بررسی نیروی انسانی و اشتغال صحبت کردند که دستگاه‌های دولتی انقلاب را فقط برای مردم میخواهند بهر حال در این زمینه من امیدوارم این توصیه این روشن بین واقعا سبب شود و مقدمه‌ای باشد برای اینکه بعد از این مدت‌ها این کار مهم صورت بگیرد والا اگر باین نوع توضیحات و توصیفات باز بخواهیم که بهمین نحو بگذرانیم سالها خواهد گذشت فکر کنید بعد از دو سال سه سال پنج سال هشت سال دیگر ولی اگر هم واقعا يك مسئله یعنی بآن وظائف و رسالت‌ها فکر کنیم، دولت و نماینده مجلس، مردم و احزاب همه و همه آتوق چنین اندیشه خواهیم کرد که از این گذشته‌ها بهر حال تجربه بیاوریم واقعا درس بگیریم برای اینکه در آینده با سرعت این وظائف را انجام بدهیم در مورد توصیه‌های بسیار مهم کمیسیون بودجه که هر چند بصورت توصیه است یعنی هر چند بصورت تبصره هائی الحاق به بودجه نکرده اند یا نشده یا امکان نبود و من تا همین حد واقعا سیاست‌گذاری میکنم بعنوان یکی از نمایندگان مجلس که کمیسیون بدوامر بسیار مهم اجتماعی ما توجه کرده و این دوامر را میدویم دولت تنها بعنوان توصیه تلقی نکند واقعا بعنوان دو توصیه الزام آور تلقی کند البته سه توصیه است یکی مربوط برهائی دولت از قید و بند مستأجر بودن که آن بسیار مهم است که این را

در بودجه ملاحظه میفرمائید آقای رامبد توضیح دادند که این همه رقمهای هنگفت از طرف دولت ودولتی که بزرگترین مستأجر است و امواد توصیه مهم تر که قبلاً آن اشاره کردم و باز هم عرض می کنم که ما اگر عمیق تر و دقیق تر بآن مفهوم و ایده آل بزرگ ایجاد تمدن بزرگ اندیشه کنیم از نظر معنوی این دو توصیه و این دو عاملی که از کمیسیون بودجه توصیه شده است رکن مهم آن توصیه خواهد بود عبارت است از وضع قاضی و معلم باید و واقعاً شرایط اداری و استخدامی شرایط اجتماعی به کیفیت فراهم بشود که هر لیسانسیه حقوق بخواد قاضی بشود منتهی بهر کس اجازه این کار را به سادگی ندهند. باید بجای برسد که هر لیسانسیه حقوق آرزویش این باشد وقتی از در دانشکده حقوق آمد بیرون لباس مقدس قضاوت را بپوشد ما باید از نظر روانی از نظر مالی، از نظر تعلیمات، از نظر احترام واقعی به صنف، صنف که نمیشود گفت، قضات جامعه را به آن حد برسانیم که ایده آل کسی که تحصیلات حقوق میکند این این باشد که بگوید بروم قاضی بشوم از ابتدا این فضیلت را در خودش ایجاد کند. این نکته در فرهنگ و مذهب ما در آئین ما هست، در فلسفه ملی ما هست، در سنن و آدابهای ما هست در داستانهای اساطیری ما هست معلم و قاضی، چه شده است چه حوادث و وقایعی رخ داده که باید طی این سالهای اخیر اتفاقاً این دو گروه و این دو پایه، بنیادی نظامات اجتماعی بهر حال با چنین مشکلاتی روبرو شود؟ این دو بحث اتفاقاً مربوط میشود به یکی از هدفهای دیگری که من در برنامه دولت من حیث المجموع در این بودجه دیدم که تحت عنوان حرمت و حقوق انسان است، ایده آل بزرگی است که این مسئله یعنی حرمت انسان و رعایت حقوق انسان این چکیده و عصاره و این محتوی فرهنگ ما نظامات تاریخی و اجتماعی ما است و آن نظم مقدس و شکوهمندی است که ما بان میگوئیم شاهنشاهی ایران و این خصیصه مال این ملت و سرزمین است و بهمین جهت است که همواره این نکته را عرض کردم اشتباه نشود فرق است بین شاهنشاهی و امپراطوری ما هیچوقت امپراطوری نداشتیم چون هیچوقت جنبه استعماری در کار ما نبوده است نظام ما شاهنشاهی بوده و این نظم خاصی است در اجتماع برای ما در طی تاریخ ما خودش این نظم را داشت یک نظمی

مسائل فرهنگی البته این یکی واقعاً از مهمترین پایه های موجودیت ما است بدیهی است مسائل فرهنگی نه به مفهوم مسائل مربوط به آموزش و پرورش بلکه به مفهوم وسیع تر به مفهوم آن مجموعه ای از همه کوشش های فکری، ذوقی، هنری، فلسفی و عرفانی ملت ایران، اینها بزرگترین میراث ملی ما هستند ما تنها نباید این اندیشه را داشته باشیم که اینها بزرگترین میراثهای ملی ما هستند بلکه خمیرمایه های ملی و زندگی ما هستند و ما افتخار داریم بر اینکه برای میراثهای ملی مدام چیزی بیفزائیم و هر چه بیشتر. وقتی سخن از آن تمدن بزرگ هست آن تمدن بزرگ تنها یک نظم اقتصادی نیست آن تمدن بزرگ تنها یک نظم سیاسی نیست. آن تمدن بزرگ و وسیع تنها توانائی نظامی ما نخواهد بود همچنانکه در تمام دوره های پرفراز تاریخ بوده است روح و روان آن تمدن بزرگ فرهنگ غنی ایرانی است، اندیشه و فلسفه ایرانی است، هنر ایرانی است، عرفان ایرانی است، شعر ایرانی است، حجازی ایرانی است. همه آنچه را که پدیده های ذوق و روح و اندیشه ملت ما است بهمین مناسبت ما هر یک از مراحل مهم تاریخ را که در نظر بگیریم هر یک از مراحل تحولات ملی ملت ایران را که در نظر بگیریم ببینیم با چنین تحولات و رستاخیزی از نظر فرهنگ ایران منطبق بوده است متأسفانه ما دو تشکیلات داریم یکی وزارت آموزش و پرورش یکی وزارت فرهنگ و هنر (عباس میرزائی - چرا متأسفانه) بقیه اش را گوش کنید یکی در واقع درس میدهند و وزارت فرهنگ و هنر هم تدریس هنر میکند هنوز بواقع نمیتوانیم بگوئیم مرکزی یا یکی از این مراکز بان مفهومی که بیان کردم درس فرهنگ ایران را میدهد و این نکته بسیار مهمی است. ما گاه میگوئیم چرا برخی از جوانان ما چنین اندیشه میکنند یا چرا برخی از قشرهای اجتماع ما اینطور فکر میکنند برخی در این راه نامناسب سیاسی میروند با چرا بعضی مسائل ملی و موقعیتهای ملی ما را درست ترک نمی کنند میدانید سبب چی است سبب اینست که باینها فرهنگ ملی آموزش داده نشده منظور فقط درس کلاسیک نیست، منظور فقط دو دوتا چهار تا

نیست، منظور خواندن و نوشتن نیست منظور درس ریاضیات و حساب و هندسه نیست منظور من دریافتن آن روح ایرانی و فلسفه ملی ایران، مائده فرهنگ ایرانی است اگر کسی آن را عمیقاً دریابد ممکن نیست بتواند وطنش را نشناسد مثال میزنم اتفاقاً نکته ای گفته شد درباره شاهنامه اگر بخاطر آن باشد، هنوز هم شاید در مناطق دور دست اینطور باشد، تا بیست سال پیش از کنار هر خانه که میگذشتیم، از کنار هر قهوه خانه که میگذشتیم از کنار هر سیاه چادری که میگذشتیم، از کنار هر کانونی که میگذشتیم صدائی می شنیدیم که شاهنامه را میخواند هر کس که سواد داشت برای سایرین شاهنامه را میخواند میان عشایر ما در لرستان در کردستان در مناطق گوناگون مقدار زیادی چیز یاد می گرفتند بهر حال برداشت از فرهنگ ایرانی بود در این زمینه ها باید یک برنامه های وسیعتری را اجرا کرد یک نهضت سیاسی و اجتماعی، یک حزب سیاسی یک حزبی که مسئولیت ها و رسالت هائی دارد بخصوص باید در این مورد، این مسائل را عمیق تر و دقیق تر احساس کند و بهر حال باید مراکز و جود بیاید که آموزش بدهد آن فرهنگ ملی ما را من البته میدانم که شاید برخی خسته شده اند (عباس میرزائی - هیچ خسته نشدیم هر چه میخوانید بگوئید با میل فرمایند تا آن را گوش میدهم) البته میدانم که برای بعضی ممکن است این مسائل نامأنوس باشد ولی بهر حال ممکن است مسائلی بنظر برسد که توجیهی برای آن از لحاظ خودش پیدا نکنند ولی مطالبی که عرض شد بخصوص مطالبی که در قسمت اخیر سخنان و بررسی نسبت به بودجه بیان کردم اینها صرفاً از یک دیدی بدون هیچگونه تعصب است یعنی تعصب خاصی نیست و باندازه یک ارزند اندیشه نکنید که من باب این بوده که برای حزبی که حکومت را در دست دارد بیانی صرفاً بعنوان مخالف کرده باشیم تا آنجا که بررسی شد واقعیاتی را دیدیم و وظیفه نمایندگی حکم میکرد که این واقعیات بیان شود امید چنان دارم آنهاست که مسئولیت دارند آنهاست که بهر حال حکومت را در دست دارند حزبی که نزدیک هشت سال است حکومت را در دست دارد و فعلاً مسئولیت مهمی را بعهده دارد میتواند این مسئولیت ها را دریابد و با وفقت ایفا کند چرا؟ چون اگر دریابد و ایفا کند برنامه هائی برای این وطن و این ملت این مملکت اجرا شده ما هم مثل همه

- سالهای گذشته در این راه پیرامون فرازی آماده برای ایشان و
 جانبازی برای این ملت خواهیم بود و اما اگر این مسئولیتها
 را در نیابید و آنچه را که باید و شاید ایفا نکنید بگناه اینکه مهمترین
 فرصت های تاریخ را از دست داده اید دچار داوری تلخی
 خواهید شد (آفرین - احسنت)
- ۳- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه
 رئیس - با اجازه خانم ها و آقایان جلسه را ختم
 میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح امروز خواهد بود.
 (ده دقیقه بعد از نیمه شب جلسه ختم شد)
- رئیس مجلس شورای ملی - عبداللہ ریاضی